

بررسی مشکلات استانداردسازی در حوزه صنعت

۱. مقدمه

استانداردسازی عبارت است از تهیه، تدوین و بکارگیری بهترین و مناسب‌ترین ملاک‌ها، ویژگی‌ها، ضابطه‌ها و روش‌ها در تولیدات و ارائه خدمات و تمامی فعالیت‌های صنعتی، بازرگانی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... با هدف ارتقاء ضریب ایمنی، سلامتی و بهداشت آحاد مردم و درنهایت ایجاد رفاه در جامعه. یکی از وظایف اصلی استانداردها ایجاد ارتباط و تبادل افکار میان طرفین ذینفع است. در واقع استاندارد در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی آن به عنوان یک زبان مشترک جهت برقراری ارتباط محسوب می‌شود و این امر می‌تواند به طرق مختلف به وسیله ارائه یکسری ویژگی‌ها، کدها، علائم، اصطلاحات و نظایر آن انجام شود. نظر به حجم گسترده تولیدات کشورهای صنعتی و در حال رشد و افزایش تبادلات تجاری و در نتیجه فزونی ارتباطات، نیاز به استانداردهای بین‌المللی در این زمینه بیشتر احساس می‌شود. طبق بند ۲۴ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آنها سفارش شده و این موضوع تمامی صنایع، اعم از کوچک و بزرگ را دربرمی‌گیرد.

۲. لزوم توجه به استانداردسازی

استانداردسازی، زمانی در فرآیند توسعه یک کشور موثر و کارا عمل خواهد نمود که عزم ملی بدنبال آن باشد و در کلیه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورتی فراگیر جاری و اعمال شود. این مهم تحقق نخواهد یافت مگر اینکه سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مدیران ارشد کشور به این باور برسند و برای آن سرمایه‌گذاری نمایند. همچنانکه امروزه در کشورهای توسعه یافته صنعتی، نقش استانداردها را در پیشرفت، تولید انبوه و گسترش بازارهای جهانی منحصر به فرد میدانند و برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل هستند و استقرار نظام استاندارد را یک رویکرد به حاکمیت و پذیرش نظم و قانونمندی در کلیه امور و شئون جامعه پذیرفته‌اند.

استانداردسازی چند خاصیت دارد؛ در وهله اول یک ابزار کنترلی است به خصوص زمانی که از نوآوری‌های مدرن و تکنولوژی استفاده می‌کنیم. اما امروزه استانداردها ابزار توسعه و بهبود هم هستند. مساله دیگر به بازرگاری و اصلاح قوانین و به خصوص قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده مربوط می‌شود. باید فضایی فراهم باشد که

تولیدکننده و عرضه‌کننده خود را ملزم به تولید و عرضه محصولی بدانند که هم مصرف‌کننده داخلی و هم مصرف‌کننده خارجی راضی باشند و در عین حال به یک رقابت‌پذیری پایدار برسیم.

در خصوص استانداردسازی پاسخگویی به دو سوال اصلی مهم تلقی می‌گردد. اول آن که آیا اساساً در کشورمان می‌توانیم کیفیت را اندازه‌گیری کنیم؟ زیرا واقعیت این است که هر چیزی را که نتوانیم اندازه‌گیری کنیم، نمی‌توانیم آن را بهبود دهیم و آن را مدیریت کنیم. سوال دوم اینکه آیا ابزارها، منابع، روش‌ها و پتانسیل‌هایی که تا به امروز در زمینه کیفیت ما را همراهی کرده‌اند، قادرند به نیازهای حال و آینده جامعه ما پاسخگو باشند؟

۳. نقش استانداردسازی در تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله

نقش و تاثیر استانداردسازی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در دو بخش ذیل ترسیم نمود:

✎ برخورداری جامعه ایرانی از سلامت، رفاه، ایمنی، امنیت غذایی و بهره‌مندی از محصولات، خدمات و محیط زیست مطلوب

✎ برخورداری از دانش پیشرفته، توانایی در تولید علم و فناوری و دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با جنبش نرم‌افزاری، تولید علم و رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی

۴. نقش استانداردسازی در بند ج ابلاغیه سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

در بند ج سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به "توسعه و ارتقاء استانداردهای ملی و انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی" اشاره شده است. استانداردسازی فعالیتها و فرآیندهای قابل واگذاری و تعیین شاخص‌های استاندارد ارزیابی به عنوان ابزار اصلی نظارت حاکمیت بر صحت، دقت، یکپارچگی و حسن انجام کار توسط بخش غیردولتی، تلقی می‌گردد. بعبارت دیگر، حداقل الزامات و شرایط قابل قبول کار انجام شده توسط بخش غیردولتی و معیارهای حاکمیت برای قضاوت و نظارت بر فعالیت‌های واگذار شده به این بخش، باید در قالب استانداردهای مدون به طور شفاف تعریف و مشخص گردد. استانداردها نحوه درست انجام کار، معیارهای درستی نتیجه کار و حدود مجاز فعالیت‌ها را تعیین می‌کنند.

۵. ارتقا کیفیت پیش نیاز توسعه صنعتی

صنعت هر کشور، نقش مهمی در رشد، رفاه، وضعیت اقتصادی و آسایش مردم ایفا می‌کند. بسیاری از کشورها با تلاش زیاد صنعت خود را به حدی از رشد و شکوفایی رسانده‌اند تا بتوانند محصولات خود را به سایر کشورها صادر و درصد بالایی از اشتغال، درآمد و ارزش افزوده کشورشان را به آن اختصاص دهند. رشد صنعت از هر جهت به نفع ذینفعان آن صنعت خواهد بود زیرا رشد صنعت علاوه بر ایجاد اشتغال و آسایش سبب تولید محصولات با کیفیت‌تر و مناسب‌تر می‌شود. از سوی دیگر، اگر کشوری دارای سازمان‌ها و صنایع قدرتمندی باشد که توان حضوری موفق در بازارهای بین‌المللی را داشته باشد، قدرت اقتصادی آن کشور نیز افزایش خواهد یافت. موضوع کیفیت و بهبود آن، موضوع مهم و حیاتی در هر سازمان و بنگاه است. برخی کیفیت را تنها انطباق با ضوابط از پیش تعیین شده می‌دانند به عبارت دیگر کیفیت مترادف با استاندارد تلقی می‌شود، غافل از آن که امروزه کیفیت مفهومی وسیع‌تر داشته و به معنی پاسخ‌گویی به درخواست‌های منطقی و حق مدارانه مصرف‌کننده است.

در حال حاضر «صنعت» به عنوان مهم‌ترین بخش کسب و کار و تجارت در کانون توجه مصرف‌کنندگان قرار گرفته و کیفیت محصول، عنصری ضروری در بازارهای رقابتی فعلی شده است. بدیهی است کیفیت تولیدات صنعتی و موضوع رقابتی بودن تولیدات به عوامل متعددی بستگی دارد که از مهم‌ترین آنها بسته شدن حلقه و چرخه تحقیق، تولید و بازار است؛ بخشی از آن به عهده تولیدکنندگان و صنعتگران است و بخش مهم دیگر وجود سیاست‌های حمایتی و بسترسازی برای رشد صنعت توسط دولت و مدیران است. سازمان‌هایی که با هدف تولید کالا و خدمات ایجاد شده باشند، ملزم به تولید کالای با کیفیت و جلب رضایت مشتریان خود و سایر ذی‌نفعان هستند.

۵. مشکلات استانداردسازی در حوزه صنعت

همواره نظارت بر استاندارد بایستی نسبت به نظارت بر قیمت، از اولویت برخوردار باشد چرا که در شرایط رقابتی، قیمت خدمات و کالاها در بازار تعیین می‌شود اما معیارها و استانداردها از این مکانیزم تبعیت نمی‌کند و دولت به عنوان متولی آن، باید آنها را مشخص نماید. نظارت بر استاندارد و تخلفات و نارسائیهای موجود در این بخش و تقویت تولید ملی و درونزا نمودن اقتصاد کشور ضروری است و تولیدکنندگان داخلی باید به رعایت استانداردهای کمی و کیفی اقبال و ترغیب شوند.

وجود معضلات جدی در صنایع به ویژه صنعت خودرو، ساختمان، غذایی و کشاورزی، باقیمانده آفت کش ها و فلزات سنگین در سبزیجات، میوه جات، فرآورده های پروتئینی و عدم وجود راهبرد ملی کیفیت در هر کدام و یا هماهنگی و هم راستا نبودن آنها با یکدیگر، گزارشات متناقض کیفی در ارتباط با اندازه گیری کیفیت کالاها و خدمات داخلی و وارداتی از جمله چالش های صنایع در حوزه استاندارد است. از دیگر مشکلات و چالش های موجود می توان به :

- ❖ ضعف فرهنگ صنعتی و عدم وجود اطلاعات فنی کافی نزد اکثر صاحبان واحدهای تولیدی
- ❖ کارگاهی و کوچک بودن اکثر قریب به اتفاق واحدهای تولیدی و استفاده از تجهیزات فرسوده و قدیمی
- ❖ استفاده از کارگران غیرماهر خارجی (افغانی) و عدم پرداخت حق بیمه به آنها
- ❖ عدم وجود آزمایشگاه کنترل کیفی مرجع و عدم تامین منابع مالی جهت راه اندازی آزمایشگاه های مورد نیاز
- ❖ صدور مجوزهای تولید از سوی ارگان های متفاوت (استانداری ها - فرمانداری ها - شهرداری ها - مجامع صنفی)
- ❖ عدم برخورد با تولیدکنندگان کالاهای بی کیفیت به بهانه مشکلات اجتماعی
- ❖ عدم وجود سیاست های تشویقی مناسب برای واحدهایی که کالای با کیفیت تولید می کنند
- ❖ موازی کاری های موجود در بخش کیفیت و استفاده از معیارهای چندگانه

۶. پیشنهادات

با توجه به تاکید قوانین مربوطه از جمله سند چشم انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی همچنین منویات ابلاغی مقام معظم رهبری در بند ج سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با عنوان " توسعه و ارتقاء استانداردهای ملی و انطباق نظام های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین المللی " در جهت توسعه نظام استاندارد سازی و کیفیت در کشور، پیشنهاد می گردد سازمان ملی استاندارد با ارائه برنامه های بلندمدت و کوتاه مدت با ارج نهادن به حقوق تولیدکننده و با مشاوره های تخصصی خود، گام های موثری در زمینه به روزآوری کیفیت کالاها بردارد.

بهره مندی واحدهای تولیدی از بخش تحقیق و توسعه (R & D) در خط تولید مزیت های فراوانی از جمله افزایش کیفیت و رقابت پذیری محصول با محصولات مشابه را به دنبال دارد. رویکرد واحدهای صنعتی استان نسبت به چند سال گذشته برای افزایش سطح کیفی کالای تولیدی روندی رو به رشد داشته به گونه ای که هم اکنون تعداد

زیادی از آنها گام در راه بهره‌مندی از استانداردهای تولید گذاشته‌اند. بهره‌مندی از منابع طبیعی و توانمندی‌های جغرافیایی از مزیت‌هایی است که می‌تواند قدرت صنعتی استان را افزایش دهد. از طرفی می‌توان به سازمان‌های تولیدی و خدماتی این پیشنهاد را داد که با نقص صفر تولید کنند. باید به این موضوع توجه داشت که تولید با نقص صفر یک موضوع شناخته‌شده در دنیا است. در واقع در دنیا مکانیزم‌های مدیریت کیفیت آنچنان عمیق هستند که در سازمان‌ها اجرا و موجب می‌شوند که محصولات خود را بدون هیچ نقصی تولید می‌کنند. تامین منابع مالی، لغو پروانه تولید و بهره‌برداری واحدهای تولیدی که فاقد نشان استاندارد می‌باشند توسط مراجع صادرکننده پروانه و خود اظهاری ارزیابی در واحدها از جمله مواردی است که می‌تواند روند استانداردسازی را تقویت نماید.

۷. جمع بندی

اساسی‌ترین عنصر در اقتصاد رقابت‌پذیر و اقتصاد مقاومتی که به عنوان یک شمشیر برنده در صادرات و تامین نیازهای داخلی عمل کند، کیفیت است. اثر بخشی کنترل کیفیت کالا به کیفیت و کامل بودن قانونگذاری بستگی دارد و قانونگذاری باید امکان انجام کنترل‌ها را در همه مراحل تولید، ساخت، فرآوری، انبار، حمل و نقل، پخش و تجارت برای مسئولان فراهم سازد. کالاهای بی‌کیفیت و بدون شناسنامه علاوه بر تخریب بازار صادرات، کالاهای بنام ایرانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. یکی از پیش شرط‌های لازم برای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، ارائه کالاهای با کیفیت و قیمت مناسب توسط تولیدکنندگان ایرانی است. در صورتی که تولیدکنندگان ایرانی نتوانند منطبق بر استانداردهای ملی و بین‌المللی تولیدات خود را به جهان عرضه کنند این فرصت به یک تهدید تبدیل می‌شود. استانداردهای ملی و بین‌المللی، حداقل ضوابط لازم را در مورد کیفیت و چگونگی کالا و محصولات بیان می‌کند و داشتن گواهینامه استاندارد، مصرف‌کننده را از کیفیت کالا مطمئن می‌نماید. رعایت استانداردها بخصوص استانداردهای بین‌المللی می‌تواند به عنوان یک عامل جذب‌کننده بازارهای جهانی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین برای حفظ بازار و صادرات هم مسئولان و هم فروشندگان و صادرکنندگان کالا باید نسبت به رعایت قوانین و حدود مجاز یا همان استانداردها دقت لازم را مبذول نمایند.

۸. منابع

امین بیدختی، علی اکبر، مجتبی زرگر (۱۳۹۰)، بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه‌ها، نشریه کار و جامعه، شماره ۱۳۸، صفحات ۴۸-۳۴.

دفتر برنامه ریزی و فناوری اطلاعات (۱۳۹۰)، گزارش عملکرد سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در برنامه چهارم توسعه.

لزوم تحول بنیادین در حوزه استانداردسازی (۱۳۹۳)، خبرگزاری مهر، شناسه ۲۳۸۵۷۶۱.

هفته نامه خبری - تحلیلی سازمان ملی استاندارد ایران (۱۳۹۱)، سال بیست و یکم، شماره ۱۰۶۹.